

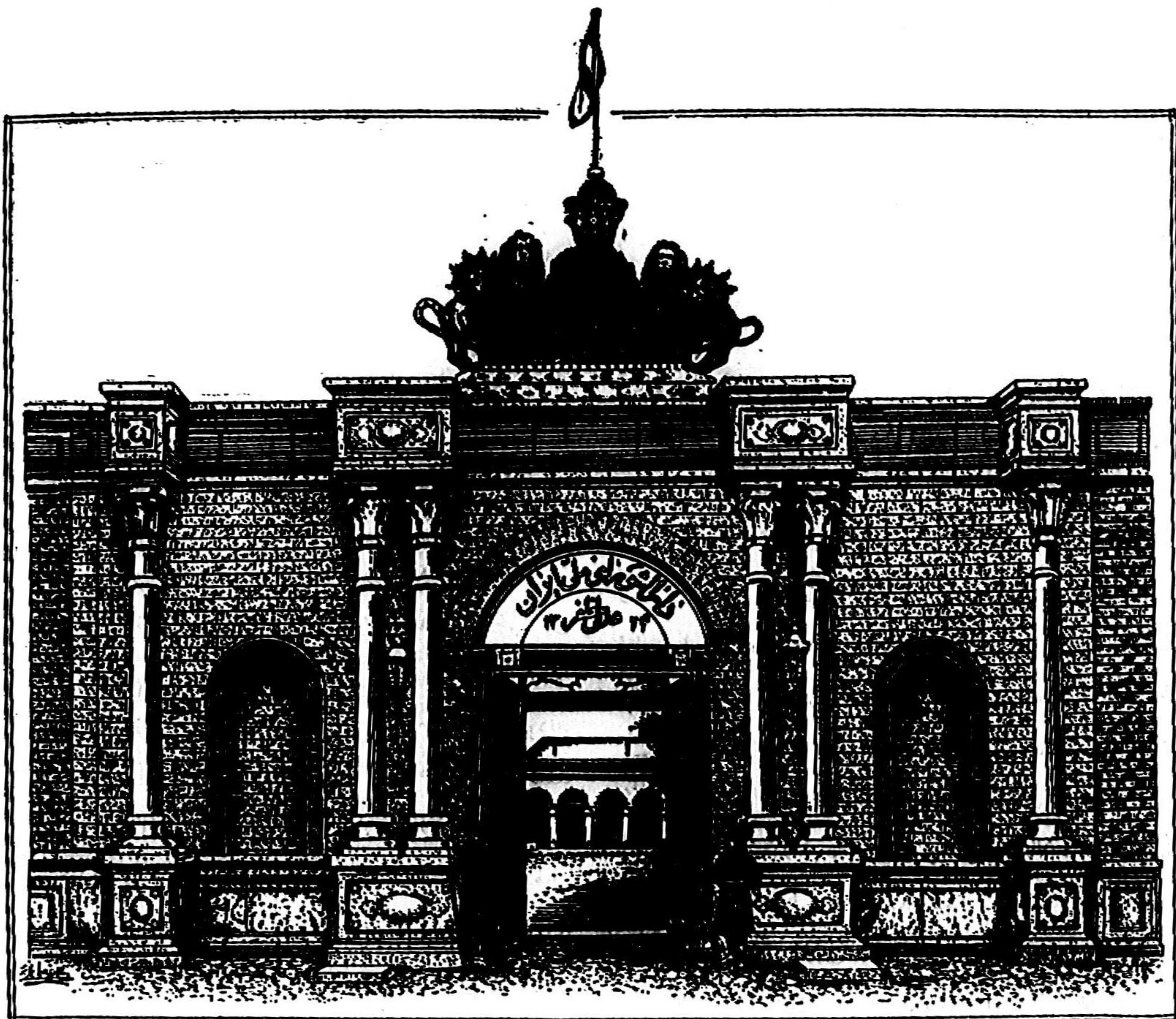
<p>جلسه ۷۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره سی و هشتم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجاه و یکم اسفندماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۰۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات و شروع جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراک داخله ایران سالیانه ده تومان / خارج « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>



# فهرست مدارجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای حاج آقا رضا رفیع از آقای وزیر مالیه راجع باقتصادیات و جمعیت نهضت اقتصاد و جواب آقای وزیر مالیه	۶۹۹	۷۰۱
۲	مذاکره نسبت بخر کسیون قوانین مالیه راجع بیانک ملی از ماده ۳ الی ماده ۶	۷۰۱	۷۱۷
۳	مذاکره نسبت بخر کسیون بودجه راجع بشهریه ورثه عماد دفتر و تصویب آن	۷۱۷	۷۲۰
۴	مذاکرات آقای حائری زاده راجع به شیوع مشروبات الکلی و لزوم جلوگیری از آن	۷۲۰	۷۲۱
۵	قانون اجازه پرداخت ۲۳ تومان شهریه در باره وراثت مرحوم عماد دفتر	۷۲۲	





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنج شنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۴۵

### جلسه ۷۰

رئیس -- صورت مجلس مخالیف دارد یا نه ؟

( گفته شد خیر )

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد ...

( مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست )

آقای پیرنیا تشکیل گردید )

( صورت مجلس سه شنبه نهم اسفند ماه را آقای آقا )

سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند )



رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع سؤالی از آقای وزیر مالیه داشتید؟ بفرمائید

حاج آقا رضا رفیع - آقایان بخاطر دارند اوائل افتتاح مجلس در آن موقعی که اظهار نمایم بکابینه آقای مستوفی شد وکلای شمال عموماً تقاضا شان این بود که در کار اقتصاد ترتیبی داده شود و برای این امید واری آنطور اظهار نمایم کرده و منتظر هم بودیم در مجلس هم حتی سؤال شد و وزیر امور خارجه هم وعده کردند در هفته بعد جواب بدهند مدتی از این بین گذشت و آری بظهور رسید و مردم همانطور در فشار و بدبختی و گرفتاری بودند. و بالاخره ما وکلای کیلان و مازندران و خراسان و آذربایجان هم که ورقه استیضاح را امضاء کردیم برای این بود که مقصود ما حاصل نشد یعنی مردم راحت نبودند بعد موافقت نظرهایی حاصل شد و چند نفری هم از مجلس رفتند که با اتفاق هم کمک کنند و ترتیبی باین مسئله بدهند ما هم موافقت کردیم. برای اینکه ما عرضی نداشتیم. ما مقصودمان این بود که مردم راحت بشوند و برای اقتصاد یک قدمهای اساسی از طرف دولت برداشته شود. این بود که اظهار نمایم کردیم و مجدداً کابینه هم تشکیل شد و آقایان هم تشریف آوردند. و فردا فرد آقایان مشغول یک اقداماتی هستند آقای وزیر عدلیه یک لایحه در مجلس عنوان کردند. ما هم مساعدت کردیم و انتظار داریم به بندهم چه کار میکنند و انشاء الله موفق هم میشود. آقای وزیر معارف وعدههایی داده اند و امیدواریم بوعده وفا شود. ولی بنده هم نظرم بوزیر امور خارجه است و حالاً هم که آقای وزیر مالیه تشریف دارند نمیدانم میتواند جوابهای بنده را بدهند یا اینکه باید خود ایشان جواب بدهند که در این کار چه اقداماتی کرده اند؟ چند نفر نماینده هم از کیلان معین شده اند (از نهضت اقتصاد) که اخیراً بطهران آمده اند آنها هم از بدبختی و گرفتاری مردم بسمع اغلب آقایان رسانده اند. ما چند نفر نمایندگان کیلان هم که در این مجلس حضور داریم اغلب روزها بما رجوع میکنند و

حقیقه ما نمیدانیم چه جواب بدهیم؟ بنده میخواستیم بدولت عرض کنم که این ارادت ما بشما فقط از نقطه نظر اصلاح کار مردم است. این قلبهای صافی که ما بشما داریم اگر این مسائل اصلاح شد همینطور ما کمال ارادت را داریم و مخلص شما هستیم. ولی اگر درست نشد کم کم قلب ما کدر میشود و برادر آن کدورت تصور میکنم آن کارهای سفید هم کم کم دارای بکرنک غیر سفیدی و حال کبودی پیدا کند. البته قبلاً باید عرض کنم یک چند روز دیگر یا چند هفته دیگر شاید یکی دو هفته دیگر بتوانیم این دوام را داشته باشیم و منتظر اقدامات آقایان باشیم بلکه تکلیف قطعی این مردم را معلوم کنند و ما هم بتوانیم یک جوابی بآنها بدهیم. حالاً هم خواهش میکنم اگر ممکن است بما اطلاع بدهند که با اصطلاح یک بوی خوشی ممکن است تصور شود که مردم راحت شوند یا خیر؟ و حقیقه اگر آقای وزیر امور خارجه بالاخره نمیتوانند این کار را بکنند بیابند بگویند نمیتوانند. من خیلی خوشم می آید. اغلب آقایان ملاحظه کرده اند در خیابان اگر بیک جمالی بگویند (جمالی هم کسب یا شرافتی است و بعقیده بنده اول کسب است) اگر باو بگویند بیا این بار را از اینجا ببر می آید دست میزند و میگوید من نمیتوانم. آدم از اول بار را می بیند اگر نمی تواند قبول کند اگر یک آدم خوبی است میگوید نمیتوانم و اگر میتواند بمنزل برساند فوراً بلند میشود و قبول میکند. بنده حقیقه میخواستیم بفهمم باینکه چه قدر باید منتظر باشیم و تاکی باید منتظر باشیم؟ فقر و فلاکت و بدبختی. نالدازه ایست که من نمیدانم چطور برای آقایان ذکر کنم؟ کیلان و مازندران و رعابای کنار بحر خزر که همیشه میتوانستند به سایر مردم ولایات کمک کنند امروز وضعیت آنها طوری است که حقیقه برای معاش معطلند...

دکتر سنک - کربه اوراشت.

رفیع - بلی کربه آور است. بالاخره همه نان میدانید این است که عرض میکنم اگر بدون ظاهر سازی و سؤال و جواب و این حرفها حقیقت این مسئله را برای ما نقل میکردند ما متشکر میشدیم که اگر ممکن است بفرمایند ممکن است و اگر ممکن نیست زودتر بگویند از دستمان بر نمی آید زیرا که مستحضر میشدیم و میتوانستیم تکلیف قطعی مردم را معلوم کنیم

وزیر مالیه - البته بنده تصدیق میکنم کلیه نمایندگان محترم (علی الخصوص نمایندگان که از محلهائی منتخب شده اند که منتسب هستند بوضعیت اسف آوری که در مملکت ایجاد شده است) باید متأثر باشند - و البته آقایان هم حق دارند که هر نوع سؤال و تحقیقی از فقره اجرائیه (که ما موراجرائیات مملکت است و باید مطابق صلاح مملکت در تحت نظریات آقایان امور را اداره کند) بکنند. ولی از نماینده محترم منصفانه سؤال میکنم که (علی الخصوص که ضمن سؤال و تذکر) آیا نبایستی این نکته را در نظر داشته باشند که از یک الفاظ و عبارتی که ممکن است یک سوء تعبیری در خارج نسبت به آنها بشود یک قدری خود داری بفرمایند؟ زیرا در نظر مردمیکه در خارج هستند اینطور تلقی میشود که دولت مورد اعتماد یا مورد حسن نظر آقایان نیست ولی یقین دارم که نماینده محترم هیچ نظری بذکر این مثل نداشتند غیر از نظر خوب و نظر خیر - ولیکن ایشان باید تصدیق بفرمایند که ممکن است همین در خارج به صورتهای دیگری قضایا را تعبیر کنند - آقای وزیر امور خارجه چون حاضر نیستند بنده بعد از این توضیح مختصر که میتوانم در عالم همکاری به عرض آقایان برسانم و نسبت باصل موضوع جوابیکه مقتضی است عرض کرده باشم - همانطوریکه خود آقایان مستحضرند از نقاطیکه این قضیه مبتلا به است نماینده هائی بطهران آمده اند اجماعانی دارند البته بعرض رسیده است که هر

روز با رئیس الوزراء و هیئت دولت مشغول مذاکره و مبادله فکر هستند و آقایان باید یقین بدانند که کابینه فعلی به تمام معنای کلمه متوجه باین وضعیت و طول کشیدن آن و وخامتی را که دارا هست هستند - و کاملاً با این توجهی که دارند در صدد اصلاح و چاره جوئی هم هستند ولی جریان امر در یک مرحله از عمل هست و فعلاً در یک موقع از عمل است که از دادن توضیحات بیشتری راجع به جریان مذاکره و جریان امر امروز و تا یک چند روز دیگری دولت خود داری میکند البته بمجرد اینکه از این مرحله فعلی خارج شد برای اینکه توضیحات بیشتر و واضحتری از جریان امر داده شود هم آقای وزیر امور خارجه - هم بنده - هم آقای رئیس الوزراء همه حاضریم سؤال کنیم آقایان آقا سید یعقوب و بامداد کرده بودند که بنده برای جواب آنها آمده بودم ولی همینطوریکه ملاحظه میفرمائید یک حال سرما خوردگی و شکستگی صدائی دارم که استدعا میکنم چون سؤالات مفصل است و مخصوصاً طرف سؤال هم آقای آقا سید یعقوب هستند برای جلسه دیگر بگذارند....

آقا سید یعقوب - ما مخالف دولت هستیم - آقا موافق بودند

وزیر مالیه - دولایحه هم تقدیم مجلس میشود. یکی راجع به تقاضای اعتبار است برای اجرای قانون راه آهن دیگری لایحه ایست راجع به عیدی مستخدمین جزء که همه ساله معمول بوده است و سابق بر این در وزارتخانهها از صرفه جوئی پرسنلی خودشان میپرداختند ولی چون در بودجه ۱۳۰۵ جزء بودجه وارد شده است باین ملاحظه حالا دیگر ما خودمان را مجاز نمیدانیم قبل از اینکه تحصیل اجازه کرده باشیم بپردازیم - این است که یک ماده واحده برای اینکه ممکن است بودجه ها در مجلس بگذرد تقدیم میشود که در مجلس تصویب شود که مطابق معمول همه ساله آن عیدی که به مستخدمین پرداخته میشده داده شود.



حاج آقا رضا رفیع - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

رفیع - آقا یاب تصدیق میفرمایند که در عراض بنده توهینی نبود و نباید هم بشود برای اینکه رای اعتماد و محبت و ارادتی که با دولت از طرف اکثریت بود بهمین جهت بوده است و همانطور که قبلاً عرض کردم باید باین اعتماد اهمیت بدهند و نگذارند این اعتماد بیک چیزهایی لکه دار شود برای اینکه بنده همیشه میخواهم این اعتماد باقی باشد این بود که این تذکر را در ضمن سؤال بدولت دادم که ما این اعتماد را برای این دادیم که کار مملکت و مردم بد بخت اصلاح شود و این امر طبیعی است که اقتصاد باید رونقی پیدا کند و البته چندیم صبر خواهیم کرد - دولت هم طرف اعتماد ما است باید همینطور هم باشد و البته خود دولت هم اجازه میدهد که پس از آنکه مابوس شدیم کار یک صورت دیگری پیدا میکنند.

رئیس - لایحه که آقای وزیر مالیه دادند باید مراجع شود بکمیسیون بودجه

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه هم بهمین ماه

راجع به بانک ملی از ماده سه مطرح است

(ماده مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - محل نادیه وجه برای سرمایه اصلی بانک وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات که لواج آن علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است خواهد بود - بملاوه برای نامین پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان مساعده مذکوره در ماده ۲ از اول سنه ۱۳۰۷ تا دوازده سال همه ساله مبلغی از عواید جاریه دولت برای نادیه ببالک ملی در جزو بودجه مخارج مملکتی پیش بینی میشود در هر صورت جمع مبلغ مذکور نباید از پنج میلیون تومان تجاوز کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك مسائلی که صحبت میشود برسبیل ابهام است مثلاً اینجا نوشته از وجهیکه پیش دولت ودیعه است مبلغی که معادل پنج میلیون است دولت سرمایه ببانک بدهد - این بسیار کار خوبی است بسیار کار مستحسبی است - و البته باید پول را گذاشت برای تأسیس بانک اما این بطور کلیت است (بنده اگر بعنوان مخالفت این اظهار را نمیگردم نوبت به بنده نمیرسد) یکی از ودایعی که هست ودایع استینافی و تمیزی است - اگر چه موضوع عدلیه در بین نیست اما اصل موضوع ودایع استینافی و تمیزی که در صندوق است از جمله ودایع دولتی است . . . .

همادی - در بانک است

آقا سید یعقوب - کوش بدهید، بکفداری از آن از جمله ودایع دولتی است و از چیزهایی است که بعنوان ودیعه پیش دولت است حالا خواستم آقای مخبر توضیحی در این باب بدهند که به بینم این پولیکه پیش دولت ودیعه است و میخواهند سرمایه بانک قرار بدهند جزو آن ودایع استینافی هم هست یا نه. اگر باشد گمان نمیکنم مطابق قانون دولت بتواند زیرا آن قانون که هنوز موادش از بین نرفته مگر اینکه نقض بشود و با اینکه يك تبصره در اینجا اضافه شود که مقصود از ودایع غیر از ودایع استینافی و تمیزی است والا اگر مقصود آن باشد که نمیتوان اینکار را کرد زیرا در واقع مال دولت نیست. مگر اینکه توضیح بدهند که آن مستثنی است والا بنده مخالفم

فهیومی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - بطوریکه

در ماده ملاحظه فرمودید و چوهی را که میتوانند ببانک بدهند و چوهی است که متعلق بدولت است و در بانک ودیعه گذارده است نه يك و چوهی که يك اداره یا مامت ودیعه داده است البته آن وجوه صاحب دیگری دارد

و متعلق بدولت نیست و دولت حق تصرف ندارد. دولت آنها را باید نگاهداری کند تا صاحبش برگردد و در اینجا هم قید شده است که دولت ودیعه خودش را میدهد و بطوریکه در مقدمه راپرت ذکر شده يك بودجه تصویب میشود ولی تا آخر سال آن مخارج مصوبه بمصرف نمیرسد و باقی میماند چنانچه ملاحظه فرمودید در جلسات قبل هم صحبت شد که ممکن است یعنی از قراریکه میگویند سه چهار میلیون وجه از اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ باقی مانده است شاید هم باشد ولی اینها وجوهی نیست که اضافه آمده باشد چون بودجه از اول سال که شروع میشود تا آخر سال بعد مطابق قانون محاسبات عمومی جریان دارد يك اعتبارات تصویب میشود برای مخارج که تا آخر سنه مالیه حوالجات آنها صادر میشود ولی ممکن است پرداخته نشود. اینوجوه در عرض اینمدت تا بموقعی که بمصرف میرسد بعنوان ودیعه در بانک خواهد بود و اینجا نوشته است که دولت میتواند از این ودایع برای تأسیس بانک مصرف بکند محل دیگری هم تخصیص شده است برای اینکه قرض دولت پرداخته شود زیرا این پول ودایع يك مصرف مخصوصی دارد که دولت نباید آنها را بمصرف دیگری برساند یا ببانک بدهد این است که میگوید بعنوان قرض ببانک بدهد بعد از محل دیگری که معین شده است متدرجاً بپردازد که هم بانک يك سرمایه ابتدائی داشته باشد و در مضیقه نباشد و هم وجوه ودایع بمصرفیکه در بودجه تخصیص داده شده است مجدداً برسد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - باینکه نسبت به این ماده در جلسه که این قانون مطرح بود پیشنهاداتی شد باقابل توجه شد با اینطور بنظر میاید که مخبر محترم تقاضای ارجاع بکمیسیون کردند تقریباً آن مقصودی را که ما داشتیم می بینیم تأمین نشده است و آن این است که باز آن کله (مساعده) که آروز هم مورد تنقید مجلس واقع شد و

همینطور در آخر جمله کله (قرض) اینها بالاخره نتیجه اش این میشود که پوهائی که ما فعلاً از صرفه جوئی باهر اسمی که رویش بگذارید در بانک داریم با يك ربح کمی بگیریم و بدهیم برای تأسیس بانک و اگر پنج میلیون هم نشد سالی يك مبلغی که بیشتر از پانصد هزار تومان نباشد باز قرض بدهیم و از عبارت آخر ماده اینطور مفهوم میشود که پس از آنکه قرض دادیم بکروز هم دولت پس بگیرد - مفهومش این است ولی منظوقش خوب نوشته نشده - مفهوم ماده را وقتی خوب دقت کنید این میشود که از پوهائیکه دولت ما در بانک دارد و الان در آنجا بیکار است و یا میخواهیم انتقال بدهیم باین بانک و سرمایه بانک را برسانیم به بازده میلیون و از آن بازده میلیون معادل نصف سرمایه را صرف کارهای اقتصادی کنیم. این را دولت باید قرض بدهد ببانک و بکروزی هم پس بگیرد. البته قرض هم مستلزم يك منفعتی است و تمام مخالفتهایی که در آن جلسه شد برای همین مقصود بود که باید پوهائی بیکاری که امروز در بانک خارجی داریم این را سرمایه اولی بانک ملی ایران قرار بدهیم یعنی بگوئیم این سرمایه بانک دولتی یا ملی ایران است دیگر این را دو باره برگردانیم بجزانته مملکت نمیدانم مقصود چیست. همینطور کله (مساعده) آن روز هم عرض کردم این کله مد شده و يك معمولی بین دولت و بانکهای خارجی شده که بنده خوب نمیدانم و باید این الفاظ را ما از بین برداریم. بنده این کله را انقدرها خوب نمیدانم و تصور میکنم که این لفظ بکروزی يك گرفتاری اقتصادی برای ما درست کند. ما آن روز هم پیشنهاد داد کردیم که هر چه دولت پول در بانک خارجه دارد خوبست آن را انتقال بدهد باین بانک خودمان و همان را سرمایه اولیه بانک قرار دهد. اگر این مبلغ بقدر پنج میلیون شد که هیچ و اگر هم نشد دولت سالی پانصد هزار تومان از عواید مملکت سالیانه برداشت کند و سرمایه این بانک قرار دهد بدون اینکه



کلمه مساعده را هم ذکر کنیم. بعلاوه بنده معنی جمله اخیر این ماده را اصلاً نفهمیدم چیست. زیرا مبهم است و هزار بطن دارد و هر بطنش هم هزار بطن. بنده موافق نیستم که این جمله: (از بابت قرض بانک بخزانه محسوب خواهد بود) در این ماده باشد و با آن مخالفم. بنده معنای این جمله را که نفهمیدم چیست و خوبست آقای مخبر توضیح بیشتری بدهند. آیا مقصود این است که ما از خزانه دولت و بالتبینه از بانک خارجه پول قرض کنیم و يك روزي پس بدهیم و تزیل هم بدهیم؟ اگر مقصود این است که بنده با این ترتیب کاملاً مخالفم و معتقدم که ما هر چه پول داریم باید همان را سرمایه بانک قرار بدهیم بدون اینکه اسمش را مساعده یا قرض بگذاریم.

مخبر - برای رفع اشتباه عرض میکنم ادارات مختلفه که دارای ابوابجمعی هستند ممکن است با یکدیگر حساب جاری و داد و ستد داشته باشند چنانچه الان هم خزانه مبلغی بآدره ارزاق بعنوان قرض داده بعد از محل فروش جنس این قرض خودش را پس میگیرد. این قرض است. بانک هم که يك مؤسسه تجارتي است و سرمایه آنرا دولت میدهد. سرمایه بانک با باید در جزو بودجه مملکتی از عوائد جاری معین شود و در ضمن مخارجی که در مجلس تصویب میشود يك ماده هم بعنوان اعتبار پنج میلیون برای تأسیس بانک تصویب شود ولی اینجا این منظور نیست بلکه نظر این است که محل سرمایه بانک از جای دیگری نامین شود و از عوائد جاری مملکتی نباشد بلی اگر دولت پنج میلیون تومان پول حاضر اضافه بر مخارج معمولی خودش داشت ممکن بود بطوریکه عرض کردم يك ماده به مجلس پیشنهاد کند که این پنج میلیون صرف تأسیس بانک شود. ولی فعلاً این محل را ندارد. بنا بر این وجوهی را که دولت از ودایع خودش به بانک میدهد و صرف این کار میکند در واقع قرض میدهد و در این مورد جز کلمه

ودایع که جمع ودیعه است عبارت از چیست؟ ودایع يك معنی لغوی معمولی متداولی دارد و ممکن است که ما يك معنی از این کلمه در قلبمان باشد که این لفظ بازاء آن معنی حمل شود ولی همینکه از مجلس بیرون رفت همان معنی حقیقی خودش را استعمال کند و دایع جمع ودیعه است. خوبست توضیح بدهند که مقصود از ودایع چه چیز است و چه پولهایی است؟ پولی که به معنی خودش ودیعه حساب میشود همان پولهایی است که در عدلیه گذاشته میشود. این پول هارا که نمیشود دست زد زیرا تصدیق میفرمائید که اینها يك پولی است که بعنوان ضمانت و ودیعه مردم در عدلیه گذارده اند و مرافعه که تمام شد صاحب پول خودش را استرداد میکند. این پول را دولت نمیتواند تصرف بکند و جزو سرمایه بانک قرار دهد یا بعنوان قرض حساب کند اما وجوهی که از بابت تقاعد گذاشته میشود بنده نمیتوانم باین قسمت کلمه ودیعه اطلاق کنم و این پول را مال دولت میدانم. يك قانونی ما از مجلس گذراندم که هر يك از مستخدمینی که دولت استخدام میکند باید مطابق این شرایط باشند و یکی از شرایط مندرجه در آن قانون هم همین است که از حقوق آن مستخدمین صد يك یاسد دو کسر کنند و بعد چنانچه يك مراتبی را طی کردند و مثلاً بفلان سن که رسیدند دولت این پول را بعنوان تقاعد بآنها بپردازد اعم از اینکه این پولی را که کسر کرده اند مطابق بکند با آن مبلغی که دولت باید تادیه بکند یا نکنند اگر اضافه شد مال دولت است کسر هم شد دولت باید آن مبلغ را مستخدم بپردازد در هر صورت من هیچ دلیلی برایش نمی بینم که بگویم پول مال مردم است. مال مردم یعنی چه؟ مال دولت است و دولت حق همه نوع تصرف را دارد. اما کلمه مساعده مساعده یعنی پول پیشکی بدهند و بعد در ازایش نفعخواهی یا يك مال معین و مخصوصی را بگیرند. بنده نمیدانم بانکي را که ما میخواهیم

تأسیس کنیم و این بانک هم فقط قائم به سرمایه است اینطور میخواهیم اداره کنیم و سرمایه بهش بدهیم؟! همان پولهاییکه اسمش ودیعه است و به بانک شاهنشاهی داده میشود. البته دولت بهر ترتیبی که مقتضی میدانند آن پولها را باید به بانک تادیه کند که عجلاله معین و مشخص باشد که بانک دارای يك سرمایه ثابتی میباشد وزیر مالیه - ودیعه و ودایع در مالیه يك اصطلاحی است جاری و مقصود وجوه امانتی است و گمان میکنم از نقطه نظر لغوی هم دور از معنی اصطلاحی نباشد. کلیه وجوهی که در مالیه برای يك مصرف معینی نگاهداشته میشود تا بآن مصرف رسیده در هر کجا و هر اداره ای که باشد ودیعه است و اگر این بین اهلالین بعد نبود بنده چندین تعجب نمیکردم که چرا آقای کازرونی این سؤال را میکنند ولی این استثنائی که کرده است وجوه قند و چای و شکر را خود این خوب معرفی میکند که مقصود از ودایع چیست؟ وجوه انحصار قند و چای که شما دارید غیر از این است که يك عوارضی است که برای يك کار معینی تخصیص داده اند و در يك جائی محفوظ است و از این قبیل شما يك چیزهایی خاصی در مالیه دارید. اینها را میشود گفت ودایع و بهیچوجه من الوجوه شامل ودایع استینافی نیست و همانطور که آقای مخبر محترم کمیسیون قوانین مالیه توضیح دادند این وجوه ودایع که اینجا نوشته شده است مقصود وجوه دولتی است و شما زیاد در آن باب تکرار و اصرار نفرمائید زیرا معنایش این میشود که دولت میتواند امانات مردم را که در ادارات میباشد تصرف کند در صورتیکه وجوه ودایع يك وجوهی است که برای يك مخارجی از يك محل معین عاید میشود. مساعده را هم که میفرمائید اینهم باز اصطلاح است بالاخره باید آقایان قائل شوند که در هر اداره ای يك مصطلحات خاصی هست هر اداره ای با اداره دیگر وقتی يك چیزی اضافه از آنچه باید بار بدهد میدهد که بعد پس بگیرد این مساعده است و این

قرض عنوان دیگری نمیتوان روی آن گذارد. مقصودم این نیست که دولت برود و از يك بانکي پولی قرض کند و با يك نقی بان بانک بدهد بلکه مقصود این است که دولت از وجوه موجوده خودش یعنی از وجوهی که در خزانه است برای سرمایه بانک باو قرض بدهد. و بانک يك حسابی باز خواهد کرد پس از اینکه این وجوه به بانک داده شد خزانه هم باید دوباره محل خودش را بر کند زیرا وجوهیکه در خزانه هست برای يك مصارف معینی است. خوب از چه محلی باید این وجوه بخزانه داده شود؟ ما گفتیم که از بودجه های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بعد از پرداخت مخارج هر مبلغی که اضافه شد آن اضافه را بپردازند و از بابت پنج میلیون حساب کنند و هر مقداریکه از این بابت بخزانه دولت بر میگردد در واقع از حساب بانک بخزانه پاك شده و طلب خزانه از بانک کسر میشود و هر مقدار دیگر که باقی ماند از سال ۱۳۰۷ در هر سال يك مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نباشد در بودجه مملکتی برای اینکار دولت پیش بینی کند و مجلس هم تصویب کند که دولت اجازه داشته باشد این مبلغ را بخزانه بپردازد تا وقتیکه حساب خزانه تماماً پاك شود و طلب خزانه از بانک کاملاً محو شود و در واقع این يك حساب جاری خواهد بود بین خزانه و بانک که بالاخره هر مبلغی که از عوائد دولت يك مرتبه یا متدرجاً پرداخت شود بحساب بانک منظور میشود و بموجب يك سند رسمی خزانه میتواند آنرا جزو حساب خودش بگذارد و همانطوریکه مثلاً خزانه فلان مبلغ بوزارت فواید عامه یا خارجه بعنوان قرض میدهد و بعد بحساب می آورد. اینجام همینطور است تا حساب تسویه شود و دیگر خزانه طلبی نداشته باشد و از طرف دیگر سرمایه هم که برای بانک معین شده است برسد و کار بانک بجزریان بیفتد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده خیلی میل داشتم بدانم که این



اصطلاح در همه جا هست و گمان می کنم خیلی هم روشن باشد و گمان نمی کنم اشکالی داشته باشد. آقای شیروانی فرمودند عبارت ماده مبهم است بنده حرفی ندارم اگر بخواهند عبارت را عوض بکنند ولی بنده ابهامی در عبارت نمی بینم. آقای کازرون بك گفته دیگری فرمودند و آن بواسطه عدم توجه است بماده دوم ماده دو که گذشته اگر بآن توجه میفرمودند (نمیدانم بان ماده رای دادند یا نه) ملاحظه میفرمودند سرمایه اصلی بانك این وجوه نیست بك وجوه دیگری است برای پیش بینی اینکه تا آن وجوه بیانك برسد بانك معطل نماید ماده سه بك محلهائی را معین کرده است که موقتا از آن محل ها بك پول هائی بیانك داده شود و بعد از آنکه ماده دو اجرا شد پول هائی که بموجب ماده سه داده شده باید برگردد و اصولا و حقا هم باید برگردد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - تبصره پیشنهاد شده قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل به ماده ۳ الحاق شود :

تبصره - پس از تاسیس بانك دولت مكلف است کلیه وجوه ودایع خود را از بانكهای دیگر بیانك ملی ایران منتقل نماید. احتشام زاده

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بطوریکه خاطر محترم آقایان نمایندگان مستحضر است دولت وجوهی دارد که آن وجوه در بانك شاهنشاهی است و البته بانك از آن وجوه بك استفاده هائی میکند و بك استفاده های کمی هم بدولت میدهد بنده معتقدم پس از آنکه بانك ملی ایران تاسیس شد استفاده ای را که بانك خارجی از این پول میکند بانك ملی ایران

بکنند که حتی المقدور منافع وجوه دولت بخزانة دولت عاید شود.

شیروانی - دو مرتبه قرائت شود (مجددا بشرح سابق قرائت شد)

مخبر - اولاً آقای احتشامزاده خودشان تصدیق میفرمایند که این مطلب مربوط باین ماده نیست ممکن است بعد علیحده پیشنهاد کنند تا با تاسیس بانك لفظ اعمی است اگر چهار تا اطاق معین کردند و گفتند «بانك» این تاسیس بانك است و بك روز هم که شعب بانك در تمام ولایات داخله و خارجه تاسیس شد آن هم تاسیس بانك است. در صورت اول خودشان بهرمانند که چه قسم ممکن است وجوه ودایع را در بك بانكی که نازم امروز تاسیس کرده اند و هنوز کار هایش مرتب نشده و شعبش تاسیس نشده گذاشت؟ البته این بك موضوعی است که دولت خودش باید این کار را بکند تا بحال اگر دولت معاملاتش را با سایر بانكها کرده است برای این بوده است که بانك نداشته ایم ولی وقتی که دولت بانك پیدا کرد و داخل داد و ستد شد البته مورد ندارد پول هایش را در جای دیگر بگذارد. مكلف کردن دولت را باین امر که از روز تاسیس بانك وجوه ودایع را در آنجا بگذارد صحیح نیست و بنده معتقد نیستم با اینکه اساساً بنده تصدیق دارم که حتماً باید وجوه دولت در بانك ملی باشد ولی باقید اینکه از روز اول دولت تمام وجوه ودایع خودش را آنجا جمع کند بنده موافق نیستم حالا بسته است بنظر مجلس

رئیس - آقای افشار

افشار - این تبصره که پیشنهاد شده است اگر آقای مخبر توجهی می کردند این اعتراض را نمی کردند مقصود این نیست که بمجرد تاسیس بانك دولت وجوهی که در بانكهای خارجه دارد باین بانك انتقال بدهد همانطور که فرمودند تاسیس بانك اعم است

از روزیکه چهار تا اطاق ساخته شود و موقعیکه شعبش در تمام نقاط دائر شود فقط مقصود این است که پول هائی که دولت در بانكهای خارجی دارد باید باین بانك خودش انتقال دهد. وزیر مالیه - بنده گمان میکنم که آقای مخبر بتبصره خوب توجه داشته اند. در تبصره نوشته است دولت مكلف است و وقتی مكلف شد بمجرد تاسیس بانك باید تمام ودایع خودش را انتقال بدهد آنجا...

شیروانی - مقصود همین است

وزیر مالیه - مقصود این است ولی اینکار وقتی باید انجام بگیرد که بانك تاسیس شده و بچربان افتاده باشد بانك که تاسیس میشود باید درست بشود و بکار بیفتد و تجربه بکنند بعد این کار را بکنیم والا بانگی که روز اول تاسیس میشود ممکن است وسایل کافی برای حساب کردن و فرستادن و گرفتن و حفظ کردن این وجوه نداشته باشد اقلأ باید یکسال دو سال کار بکنند بعد البته دولت اینکار را خواهد کرد و تاسیس بانك برای همین شده است ولی بنده قائل نیستم که دولت را مكلف کنند در همان اول اینکار را بکنند مگر اینکه همانطور که آقای مخبر گفتند ماده دیگری تهیه کنند یا مدت معین کنند و یا ذکر کنند وقتیکه بانك كاملاً دائر شد بك ترتیبی بدهند که تولید اشكال نکند ما امروز میخواهیم بك کاری بکنیم که مفید باشد میخواهیم بك کاری بکنیم که فردا بیاییم نقضش را تقاضا کنیم یا وزارت مالیه یا دولت دچار بك خطرات و اشکالات بشود که البته آقایانهم تصدیق ندارند

رئیس - رأی میگیریم

احتشامزاده - اجازه میفرمائید بنده اصلاحی دارم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده سیم بترتیب ذیل نوشته شود: برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکار های

بانك تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون نباشد از اضافه عایدات سنوای ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بپردازد

مدرس - این بازده میلیون سرمایه بانك را که باید دولت تدارك کند این مذاکراتی هم که در ودایع و اینها میشود بك الفاظی است که معنایش تطبیق نمیشود یا اضافه عایدات. اضافه عایدات یعنی چه؟ یعنی در سنه ۱۳۰۴ بك بودجه آوردند بك مخارج و بك عایداتی بر آورد کردند بر طبق آن عایداتی که بر آورد کردند بك قدری اضافه شده و همچنین این سالی که نویس هستیم و سالی که بعد میآید سال بعد را که آقایان میگویند بك اضافه ای دارد هنوز که سال بعد نیامده اگر هم اضافه ای باشد بك مخارجی دارد ما از این اضافه عایدات اینطور استنباط میکنیم که بک قدری از آن عایداتی که پیش بینی شده بوده است در این دو سال علاوه شده و همین احتمال را هم برای سال بعد میدهند مقصود ما این است که با این علاوه واقعیت دارد یا نه اگر واقعیت دارد جزو این سرمایه منظور شود و اگر واقعیت ندارد که هیچ. حالا اینکه آقایان راجع با اضافه عایدات نوشته اند نسبت بسالهای گذشته این احتمال را دارد ولی نسبت بسالهای که بعد بیاید در محل خودش مخارجی هم دارد این را بنده تصدیق ندارم و با این لفظ اضافه نمیسازد. ظاهر اضافه عایدات این است که از آن عایداتی که پیش بینی کرده اند اضافه بیاید اگر اینطور است عاقبت هم که باید سرمایه این بانك را ملت بدهد اگر اضافه هست بگذارند جزو سرمایه بانك اگر هم نیست که هیچ بنده از اینجهت این پیشنهاد را کردم و توضیحات آقایان را هم قبول ندارم

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم حضرت آقای مدرس هم بماده سه درست توجه نکرده اند برای اینکه اگر در ماده سه دقت کنند دو قسمت دارد از هم جدا قسمت اول راجع بوجوه ودایع است یعنی مبلغی که



پیش از پنج میلیون تومان نباشد دولت بعنوان مساعده بیانک بپردازد و اضافه عایدات سنو ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت نادیه مساعده مزبور محسوب دارد . . . .  
مدرس - همین را مخالفم

وزیر مالیه - ملاحظه بفرمائید اصل مطلب و مقصود چیست . اگر آقایان درست مقصود را ملتفت بشوند آنوقت جرح و تعدیل و اصلاحی اشکالی ندارد . اینجاده وقتی که مطرح شد بواسطه يك تبصره با پیشنهادی که قابل توجه شد با آقای مخبر نقضای ارجاع بکمیسیون کردند رفت بکمیسیون اگر اشکال و نظریاتی داشتند تصدیق می فرمایند راه کار کردن سریع پارلمانی این است که بروند بکمیسیون و در کمیسیون مذاکره کنند و اصلاح کنند . این کار را که نمی کنند آنوقت هر دفعه يك چیز تازه ای پیدا میشود و يك توضیحات جدیدی میدهند . ملاحظه بفرمائید اولاً ما دو جور میتوانیم اضافه پیدا کنیم : یکی يك عایداتی پیش بینی میشود که در ضمن بودجه مملکتی مآباید ممکن است این عایدات علاوه بر آنچه که پیش بینی شده بشود چنانچه ممکن هم هست کسر بشود . یکی دیگر اینکه يك مخارجی را ما پیش بینی میکنیم و بتصویب میبرسانیم و ممکن است تا آخر سال همه آن مخارج مصوبه بشود و ممکن است بواسطه پیش آمد هائیکه يك قسمتش خرج نشود و ما میتوانیم يك اضافه ای از عایدات پیدا کنیم و يك اضافه ای هم ممکن است از صرفه جوئی پیدا شود . شما يك قانونی دارید (قانون محاسبات عمومی) ترتیب معاملات دولت و مالیه را پیش بینی کرده است من جمله اجازه نمیدهد اضافه عایدات سنه ۱۳۰۴ را مثلاً تا قبل از انقضاء سنه ۱۳۰۵ یعنی سنه بعدش برایش يك مخارجی تصویب میشود این را که اجازه نمیدهد از نقطه نظر جریانهائی است که در کارهای مالی باید برای مملکت پیش بینی کرده و همینطور مقررات دیگری در آن قانون هست حالا ما میخواهیم در این ماده بموجب این قانون يك کاری بکنیم که برای این بانکی که میخواهیم تاسیس کنیم يك پولی پیدا کنیم . آیا برای پیدا کردن

این پول محتاج است که ما خود ما را بیک زحمت و اشکالات اساسی دیگری بیندازیم ؟ مگر غیر از این است که يك پولی که اضافه مآباید این پول پرداخته شود بیانک ، این چه تفاوت دارد اگر صورت این باشد که ما در آخر ماده پیش بینی کرده ایم با يك صورت دیگری ؟ ما در اینجا نوشته ایم مبلغی که در این چند ساله از مخارجان کسر شده با اضافه عایدات پیدا کرده ایم برای سرمایه مقدمانی بانك بعد از محل عوائد حساب بانك را تعدیل کنیم برای اینکه مطابق قانون محاسبات عمومی عمل کرده باشیم و قبل از سال فلان بکسال بعد یا دو سال بعد این وجوه را مطلقاً خرج نکرده باشیم ، اینها يك چیزهای عملی است آقای مدرس نظری که دارند این است ما می فهمیم مقصود آقای چیست در اصل اضافه عایدات حرف دارند (بندیده این را شنیده ام) میگویند شما يك مخارج زیاد تر را پیش بینی میکنید و کمتر خرج میکنید بعد میگویند اینها ما اضافه عایدات داریم . صرفه جوئی کرده ایم پس اضافه عایدات اصلاً موجود نیست . این مطلب يك مسئله ایست که آقای امروز میتوانند راجع بسنه ۳۳ و ۳۴ تحقیق بفرمائید يك ارقام صحیحی هم خدمتان بدهند تا آن اندازه ای که روشن و معلوم است ببینید این اضافه عایدات بوده یا نبوده بر فرض اینکه بنده عرض کنم بوده یا فرضاً که نبوده این یکی از اصول پارلمانی و قانون گذاری است که همیشه باید اضافه عایدات را تصور کرد که ممکن است پیدا بشود . گناهی نیست که گفته بشود اگر اضافه عایدی پیدا شد و بعد هم اگر پیدا نشد کسی مأخوذ نیست در این مطلب پس مقصود آقایان ترتیب که در ماده نوشته عیناً حاصل است با این تفاوت که در نظر جریان امور اداری و تطبیقش با قانون این بهتر از آن ترتیبی است که آقای میفرمایند بنده میدانم چه لزومی دارد اینها . . . .  
مدرس - بکنیم دیگر بخواهیم بجایش بگذاریم شیروانی - بکنیم دیگر قرائت شود .

(پیشنهاد آقای مدرس بشرح گذشته خوانده شد)

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس . آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده ای قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده سوم این نوع اصلاح شود : برای شروع بافتتاح بانك ملی ایران دولت مکلف است کلیه وجوه موجوده خود را سرمایه بانك قرار داده غیر از وجوه انحصار قند و چای

آقا سید یعقوب - اصل بیانات آقای شیروانی حقیقه صحیح بود و مطالعه کرده بود و ذهن ما را توجه باین ماده داد این ماده يك عبارتی درش نوشته شده که خدا شاهد است بانکه آقای فهمی دوساعت بیان کردند و آقای وزیر مالیه هم بیان کردند هیچ رفع سوء ظن ما نشد . آقا يك کلمه ما بیشتر حرف نداریم پول داریم بکجائی که سرمایه بانك قرار بدهید ، قرار بدهید . این پول موجود است ؟ اگر پول موجودی دارید بیاورید بانك تشکیل بدهید غیر از این ما چیزی نمیگوئیم . ودایع ، مساعده ، قرض يك عبارتی که حالا بنده چیزی نفهمیدم بعد هم که میبرند در مالیه يك نظامنامه بانك عبارات بیج در پیچی برایش مینویسند آنوقت درست بعینه بانك رهنی میشود . همه دیدید که همچو بانك رهنی باین سادگی و قانون باین صریحی و واضح الدلاله را چه جور توضیح کردند و نظامنامه نوشته اند که تمام آن منافع از بین رفت . حالا ما میخواهیم بانك ملی تشکیل بدهیم ، آقای میرزا حسنخان وثوق آقایان دیگر همه بودند اول مشروطیت میخواستیم بانك ملی تاسیس کنیم آقایان همه شاهدند که ما طلبه ها هم کتابها مان را فروختیم که سرمایه بانك ملی قرار بدهیم که مالیات وارد آنجا بشود مخارج مملکتی هم از آنجا خارج شود . این دیگر مساعده و این چیزها را لازم ندارد پول داریم یا نداریم ؟ این دو کلمه است بنده عرض میکنم

حالا که بواسطه حسن انتظام مالیه بك وجوهی پیدا شده است این وجوه موجوده را که دولت دارد از سنه ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ این وجوه را نمیخواهیم . پنج میلیون هم نمیگوئیم ، میگوئیم این وجوه موجوده را سرمایه بانك قرار بدهید بعد هم همه عایدات وارد آن بانك بشود و همه مخارج از آنجا خارج شود . این دیگر این عبارتها را نمیخواهد این بود که بنده برای اینکه سهل و آسان باشد این پیشنهاد را کردم

مخبر - حالا بنده استدعا میکنم از آقای آقا سید یعقوب که بعراض بنده توجه بفرمایند مطلب را روشن میکنم . در سنه ۱۳۰۴ بودجه آمد مجلس بیست و پنج یا بیست و چهار میلیون عایدات بود بیست و پنج یا بیست و چهار میلیون هم مخارج در مقابل تصویب شد مطابق قانون محاسبات عمومی يك سنه مالیه ای داریم و یکدوره عمل سنه مالیه عبارت است از اول فروردین تا آخر اسفند همان سال و دوره عمل عبارت است از اول فروردین یکسال تا آخر اسفند سال بعد . چرا ؟ برای اینکه تمام عوائد پیش بینی شده و تمام مخارج مصوبه در عرض دوازده ماه نه وصول میشود نه پرداخته میشود . قانون اجازه داده که بودجه يك سنه مالیه را تا سه ماه بعد از ختم سال میتوانند تشخیص بدهند و حواله آنها را صادر کنند و تا آخر سال بعد میتوانند حوالجات را بپردازند در اواخر سال بعد میبایستی آن بودجه را کاملاً به بندند یعنی مخارج و عوائد را هر چه موقعیت پیدا کرده است باید به بندند و آنچه مخارج نشده است یا از عوائد باقی است باید ببودجه سال سوم برگردانند یعنی تا وقتی که سال دوم دوره عمل ختم نشده است و محاسبات مالیه بسته نشده است هیچ نمیتوان معین کرد که از بابت بودجه یکسال قبل ما اضافه عایدی داریم یا کسر مخارج و در عرض این مدت دو سال يك عایدی را دولت وصول میکند و در يك محلی بعنوان ودیعه میگذارد تا وقتی که موقع خرج آن برسد و حواله آن صادر بشود . در عرض



این مدت این پول و دیوچه دولت است هر وقت میسر شد میگویند فلان مبلغ داریم اما این مبلغ بیکطرف نیست فرمودند پول داریم؟ عرض میکنم ای دارم ولی مطابق تصویب مجلس مصرف هم برایش هست اما وقتی که محروم شدیم از اینکه دیگر مصرف برسانیم آنوقت میگوئیم که این وجه متعلق بنا است و میتوانیم بفلان مصرف برسانیم. حالا در این مدت يك بانکی می خواهیم تاسیس کنیم و میخواهیم کسکی بکنیم بانك نواقی که سرمایه اختصاصی بخودش برسد. حالا میگوئیم نواقی که این وجوه مورد استعمال پیدا کنند دولت اجازه داشته باشد که اینها را بدهد بانك ولی مصرف اینها در جای خودش هست مجلس تصویب کرده و باید مصرف خودش برسد بنا بر این میگوئیم این وجوه را دولت میتواند بانك قرض بدهد تا از محل دیگری که بلاعوض بانك میخواهند بدهند برسد و بانك بتواند قرض خودش را ادا کند در شور اول هم بهمین ملاحظه آقایان تصور میفرمودند که وجوه اضافه در بودجه هست ولی تصور نفرمودند که این وجوه مصرف دارد و هنوز مدت مصرفش نرسیده باین جهت ما پیش بینی کرده ایم که اگر دوره عمل ختم شد و حساب را بستند و اضافه عایداتی پیدا شد که بلا محل و بلا مصرف ماند آن وقت این وجوه را بابت آن بده بانك حساب کنند البته حساب سنه ۱۳۰۴ در آخر ۱۳۰۵ همین خواهد شد و در آخر ۱۳۰۷ و مال ۱۳۰۶ در آخر ۱۳۰۸ همین خواهد شد که اضافه عایدات دارد باندارد اگر از این محلها اضافه پیدا شد در مقابل قرض بانك حساب میشود و اگر نشد از ۱۳۰۷ ببعد يك محل دیگر هم پیش بینی کرده ایم که از اصل بودجه مملکتی يك مبلغی یعنی سالی پانصد هزار تومان بانك بدهند نواقی که این سرمایه معین بشود پس ما از بودجه جاری دولت يك مبلغی برای سرمایه بانك قرض میدهیم نواقی که از محل دیگر برسد یا عایدات پیدا کند و قرض خودش را ادا کند در این صورت اگر قدری وقت بفرمائید عرایض بنده را شاید خوب ملتفت شده باشید و بدانید ماده بطور صحیح تنظیم شده است

رئیس -- رای میگیریم آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (ممدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بیات (بشرح آتی خوانده شد)

ماده سیم را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید

ماده ۳- برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانك تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از ودایع خود با استثناء وجوه انحصار قند و چای بانك پردازد و اضافه عایدات و صرفه جوئی های بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب و بقیه آنرا در بودجه ۱۳۰۷ به بعد مبلغی که بیش از سالی پانصد هزار تومان نباشد در جزء مخارج مملکتی منظور نماید

مرئضی قلیخان بیات - اینجا در اینجا که نوشته شده بعضی عبارات دارد که البته يك اندازه شاید اسباب سوء ظن باشد و بعضی از آقایان هم که اشکال می کنند برای این عباراتی است که هست. عنوان مساعده و بعضی کلمات دیگر در آن شور اول هم که پیشنهاد شد اینجا دو نظر گرفته شده یکی اینکه ما گفتیم صرفه جوئی و اضافه عایداتی که در این سه سال است این را سرمایه بانك قرار بدهند همه آقایان هم با این نظر موافق هستند که اضافه عایداتی که در این سه سال هست این را سرمایه بانك قرار بدهند. همه آقایان هم با این نظر موافق هستند که اضافه عایدات این سه ساله سرمایه بانك بشود ولی چون نمیدانیم که این مبلغ که صرفه جوئی این سه ساله باشد پنج میلیون خواهد بود یا نه این بود که يك مبلغی بر آن مزید کردیم که اگر صرفه جوئی و اضافه عایدات این سه سال پنج میلیون تومان نباشد هر چه از پنج میلیون باقی ماند در بودجه ۱۳۰۷ به بعد در هر سالی پانصد هزار تومان

در بودجه مملکتی منظور نمایند اما عبارت ماده که از طرف کمیسیون نوشته اند درست این نظریه را نبرساند بنده این نظریه را باین ترتیب پیشنهاد کردم که امروز از طرف دولت پنج میلیون بیانك سرمایه داده شود آنوقت هر چه از بابت اضافه عایدات و صرفه جوئی این سه سال شد بر گردد و هر چه باقی ماند از سنه ۱۳۰۷ به بعد در بودجه منظور شود و کماکان میگویم نظر کمیسیون هم همین باشد و نظر مجلس هم همین باشد اشکالات هم نداشته باشد و رفع محذور بشود.

مخبر -- يك مرتبه دیگر قرائت بشود (مجددا بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سیم را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید

ماده ۳- برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانك تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از ودایع خود با استثنای وجوه انحصار قند و چای بانك پردازد . . . . .

بیات - (عنوان سرمایه اش) اینجا افتاده است. بعنوان سرمایه بانك پردازد (بقیه پیشنهاد مضمون ذیل خوانده شد)

بعنوان سرمایه بانك پردازد و اضافه عایدات و صرفه جوئیهای بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب و بقیه آنرا در بودجه ۱۳۰۷ ببعد مبلغی که بیش از سالی پانصد هزار تومان نباشد در جزء مخارج مملکتی منظور نماید.

مخبر -- این ماده را که عین همان ماده پیشنهادی کمیسیون است بنده قبول میکنم فقط باید نوشته شود "در بودجه ۱۳۰۷ و سنوات بعد"

رئیس -- کمیسیون قبول میکنند؟

مخبر -- بلی

رئیس -- آقای شیروانی، این پیشنهاد آقای بیات منظور جنابعالی را نامین میکنند یا پیشنهادتان

خوانده شود

شیروانی - مقصود بنده هم همین بود.

رئیس -- پیشنهاد آقای افشار.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳- برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکار های بانك تهیه شود دولت مکلف است اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را بیانك مزبور پرداخته و از ۱۳۰۷ نیز مبلغ پانصد هزار تومان در بودجه کل مملکتی بعنوان سرمایه بانك ناموقی که میزان سرمایه بالغ بر پنج میلیون تومان شود پیش بینی نماید.

افشار - عرض کنم اگر آقایان مقدمه قانون را ملاحظه فرموده بودند همینطور خود آقای مخبر تصدیق میفرمودند که بموجب بیانات رئیس کل مالیه در بودجه ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ اضافه عایداتی نیست. وقتی که در بودجه ۱۳۰۴ اضافه عایداتی نیست چطور تخصیص میدهند برای سرمایه مقدماتی این بانك، وقتی که ما این مبلغ را نداشته باشیم چیزی نداریم که برای سرمایه بانك اختصاص بدهیم، فروش خالصجات و جواهرات هم هنوز تکلیفش از طرف مجلس معین نشده و بعلاوه دولت هم در ماده مجاز است که از بابت پول ودایع این مبلغ را بعنوان مساعده بیانك پردازد کله مجاز، هم دولت را ملزم نمیکند، ممکن است این کار را بکنند ممکن است نکنند پس در این صورت دولت را مخیر مینماید بنده پیشنهاد کردم که دولت مکلف و مقید باشد که اگر اضافه عایداتی درین سنوات پیدا کرد تخصیص بدهد سرمایه بانك و هر چه کمتر باشد از سنه ۱۳۰۷ در بودجه مملکتی پیش بینی بکنند و بیانك پردازند

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - آن قسمی را که آقا فرمودند در ۱۳۰۴



هنوز اضافه نیست بجهت اینکه هنوز بودجه امسال  
بانتها نرسیده است هرص کرم باید در آخر  
۱۳۰۵ بودجه آن سال را ببندند. از این جهت فعلاً  
معلوم نیست که اضافه عایداتی هست یا نه بالاخره  
پیشنهاد اولی که شد جامع تمام نظرات آقایان و حتی  
نظر آقای بود.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای افشار  
آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشامزاده  
باید تکلیفش معلوم شود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده سه الحاق شود  
تبصره - دولت مکلف است پس از یکسال از تاریخ  
تاسیس بانک کلیه وجوه و دایع خود را از بانکهای دیگر  
ببانک ملی منتقل نماید.

مخبر - بنده تصور میکنم اول رای بماده گرفته شود  
این تبصره را اگر آقایان در نظر دارند در آخر بعنوان  
ماده الحاقیه پیشنهاد کنند مناسبتر است در اینجا مناسبت  
ندارد مطلب ماده چیز دیگر است.

احتشامزاده - بماند بعنوان ماده الحاقیه.  
رئیس - میباید برای بعد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی  
(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده بعنوان تبصره اضافی این پیشنهاد را میکنم که  
این بانک مکلف است در هر سال همچنانکه صورت  
عملیات خودش را بوزارت مالیه میدهد یکصورت هم  
بمجلس مستقیماً بدهد.

فیروزآبادی - عرض میکنم بنده سایر موافقش را  
ملفت نشدم اگر این قید باشد بنده پس میگیرم و اگر  
نباشد این را لازم میدانم و در آن لایحه بانک رهتی هم

که در مجلس مطرح شد بنده همین پیشنهاد را کردم و  
آقایان خندیدند ولی بنده دست از عقیده خود برنیدارم  
و دومرتبه این پیشنهاد را کردم که چنانچه انشاء الله  
این بانک تاسیس شد مکلف است همچنانکه صورت  
محاسبات و عملیات خودش را بمالیه میدهد بمجلس هم بدهد  
حالا شاید بعضی ها بفرمایند بمالیه که داد بمجلس هم  
می آید در جواب عرض میکنم چه بسا حسابها که در  
مالیه هست مثل خود بودجه مملکتی که بمجلس نیامده  
این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای مخبر چه مقرر مائید ؟  
مخبر - در ماده هشت ذکر شده است دیگر بنده  
چه عرض کنم  
فیروزآبادی - اگر قید شده بنده عرضی ندارم ولی  
اگر نشده است باید ذکر شود.

رئیس - بسیار خوب بماده هشت که رسیدیم اگر  
نقصی داشت در آنجا تذکر بدهید. ماده سوم از روی  
پیشنهاد آقای بیات است بکبار دیگر قرائت میشود رای  
می گیریم.  
(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رای گرفته میشود بماده سوم آقایانی که  
تصویب میکنند قیام فرمایند.  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای شریعت زاده  
(بمضمون ذیل خوانده شد)  
تبصره - پس از تصویب قانون فروش خالصجات و  
جواهرات و فرام شدن کل سرمایه اصلی بانک مبلغ  
پنج میلیون مزبور قابل استرداد نبوده و باید بر سرمایه  
بانک افزوده شود.

رئیس - بفرمائید  
شریعت زاده - بنده تصور میکنم پیشنهاد بیکه کرده ام

خیلی صریح باشد مطابق این ماده دولت قبل از فروش خالصجات  
در جواهرات مکلفست پنج میلیون تومان از صرفه جوئیهای  
۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ و همچنین سالی پانصد  
هزار تومان در بودجه مملکتی در سنوات بعد پیش بینی  
کرده ببانک بردارد البته باید تصور کرد بعد از اینکه  
سرمایه اصلی بانک معین شد با این پنج میلیون چه معامله  
خواهد شد. آیا دولت مجاز خواهد بود که این مبلغ را  
استرداد بکند یا خیر باید بر سرمایه بانک اضافه بکند ؟  
بنظر بنده بانک ملی ایران هرچه سرمایه اش بیشتر  
باشد بهتر است و باین مناسبت بنده این تبصره را پیشنهاد  
کردم که بعد از پرداخت سرمایه اصلی بانک این پول را  
دولت نمیتواند استرداد بکند و باید اضافه شود بر سرمایه  
اصلی بانک که بشود بیست میلیون

وزیر مالیه - یکدفعه دیگر قرائت بفرمایند  
(مجدداً قرائت شد)

مخبر - عرض میکنم که مقصود آقادر خود ماده نامین  
شده زیرا در بیک ماده پانزده میلیون برای سرمایه اصلی  
بانک معین شده و پنج میلیون هم برای سرمایه ابتدائی  
و مقید کرده اند که از چه محلهایی باید این پنج میلیون  
پرداخته شود در صورتیکه اگر بسا بود جزء آن پانزده  
میلیون باشد قید میشد که هر وقت آن پانزده میلیون  
وصول شد این پنج میلیون را برگردانند بخزانه.

رئیس - رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه  
قابل توجهش میدانند قیام فرمایند  
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده شش از خبر نمره هفت  
کیسیون ۲۴ آذرماه قرائت میشود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - بانک ملی از قرض با مساعدت دادن بدولت  
ببازارنخانه و با ادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب  
مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو.

ارباب کیخسرو - البته این نظری را که گرفته اند  
از روی تجربیات گذشته است نسبت بمعاملات ولی بدیهی  
است اگر بخواهیم گذشته ها را دلیل قرار دهیم خیلی  
کارهای ما معطل خواهد ماند. دولت باید توجه بکند  
که اعتبار خودش را از همه جا حفظ کند نمیتواند داخل  
در تمام جریانها باشد. اینجا در یکی از مواد فوق ذکر  
شده است هر کسی که معتبر باشد میتواند امضا کند و  
پول بگیرد اینجا چه میخواهد بگیرد؟ میخواهد بگیرد  
دولت معتبر نیست؟ میخواهد بگیرد بلدیة محل که قانون  
آن از مجلس بگذرد و بلدیة قانونی شود معتبر نیست ؟  
بعلاوه يك بانک دولتی تشکیل بشود و آنوقت دولت  
حساب جاری و سایر حسابهایش با بانکهای دیگر باشد  
و استفاده اش را بانکهای دیگر بکنند چه معنی دارد ؟  
خصوصاً حالا که اینجا يك عبارت دیگری هم نوشته شده  
است که آقای کازرونی در ضمن ماده پیش تذکر دادند  
و آن کلمه مساعده است بنده نمیدانم (مساعده) را در  
نحت چه عنوانی اینجا نوشته اند؟ وقتی که بانک از  
دادن قرض و مساعده ممنوع باشد دیگر موضوعی ندارد  
اگر (مساعده) معنای دیگری دارد توضیح بدهند و اگر  
ندارد نوشتن در اینجا چه فائده دارد؟ از همه گذشته  
کلمه (قرض) را که اینجا نوشته اند. حالا فرضاً نظر امروزه  
این باشد اما بنده نمیدانم فقط قرض دادن بدولت و  
بلدیة ممنوع است یا از داشتن حساب جاری هم در حدود  
اعتباری که در آنجا خواهند داشت ممنوع خواهد بود؟  
بنده تصور میکنم اقلأ راه نامین این قسمت را باز  
بگذارند که در حدودی که دولت پول دارد و میتواند  
در آنجا بگذارد حق حساب جاری داشته باشد. حالا  
بنده نمیدانم ماده نسبت باین قسمت دست را مینندد یا  
خیر؟ در هر صورت مقصود این است که وجود دولت  
جای دیگر نباشد و بیاید به این بانک و حساب جاریش هم با  
همین بانک باشد بلدیة هم همینطور منتهی میخواهند قسمت



قرض را بتصویب مجلس بگذارند آن قسمت های دیگر ماده باقی ماند.

مخبر - عرض میشود غرض از این ماده این نبوده است که يك عدم اعتباری خواسته اند نسبت بدولت بروز بدهند. بلکه مقصود این است که بطوریکه در ماده پنج که بعد انشاء الله تصویب خواهد شد بیانک اجازه داده شده که باشخاص دیگر قرض بدهد ولی در مقابل رهن یا وثیقه اموال منقول یا غیر منقول یا ضمانت اشخاص معتبر و البته در موقع معامله و قرض دادن بدولت هیچیک از این مسائل نمیتواند مورد پیدا کند که مثلاً فلان وزارت خانه بخواهد از دولت قرض کند محلی باجواری گرو بدهد و پول قرض کند یا اینکه بضانت يك تاجر معتبری پول بگیرد. بنا بر این ادارات دولتی را باعتبار حقوقشان باید گذاشت و این بانک هم بانک تجاری عمومی نیست که خودش با هر کس بخواهد معامله کند این وجهی است متعلق بدولت و مخارجی که از آن میشود باید به تصویب مجلس باشد. قرض یا مساعده غیر از حساب جاریست هر اداره یا وزارتخانه می تواند حساب جاری خودش را با بانک دائر کند پول بسپارد یا حواله بدهد و پول بگیرد قرض یا مساعده و جوهی است که علاوه بر آن وجوه مخصوصه که هر اداره بیانک سپرده است بخواهد از آنجا قرض بکند. قرض يك فعل کلی است. بگفته قرض میکنند و يك اعتباری یا بانک بازمی کنند و مساعده میکنند. مساعده ممکن است مبلغ کتبی باشد که بعنوان وجه پیشکی از بابت وجوهی که در آئینه باید دریافت شود گرفته میشود این قبیل معاملات را بانک با ادارات دولتی و بلدی و اجتماعی هر چه هست باید بتصویب مجلس بکنند اگر مجلس اجازه بدهد هرگونه معامله یعنی دادن يك وجوه کزانی بانها پیش از اعتباری که دارند ممنوع است لیکن حساب جاری که دارند و وجوهی که سپرده اند بیانک و متدرجاً حواله میدهند ابتدا ممنوع نشده است بانک میتواند با همه

اشخاص حساب جاری پیدا کند ولی در غیر این مورد وجهی را که بلاعوض و در غیر حساب جاری باید بیک اشخاص بدهد باید مطابق ماده پنج وثیقه از آنها بگیرد و اگر ادارات دولتی است که این قسمت را باید مجلس تصویب کند چون وجوه يك وجوهی است که متعلق است بملک و مملکت و نباید بمصرف دیگری رساند این است که بتصویب مجلس واگذار شده است

رئیس - آقای عدل

عدل - عرضی ندارم

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - کسی مخالف نیست؟

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

شیروانی - اساساً دولت مطابق قانون انسانی باید هر قرضی میخواهد بکند بیاورد بتصویب مجلس برساند و البته بدون تصویب مجلس شورای ملی دولت نمیتواند قرض بکند حالا اینجا توضیح واضحی شده است اما قسمت مساعده بنده اینجا زدید دارم که اگر ما این کله را اینجا بگذاریم و بدولت اجازه ندهیم که این معامله جاری که حالا بابالکهای دیگری دارد میکند حق داشته باشد با بانک داخلی خودمان بکند و این راه را به بندیم بروی دولت آیا این سبب بخواهد شد که دولت برای ابتکارها مجبور شود بیانکهای دیگری دست دراز کند؟ این است که اگر آن توضیح واضح را آقایان موافق باشند که باید نوشته شود یعنی هر وقت دولت بخواهد قرض کند بیاورد بتصویب مجلس برساند بنده عرضی ندارم ولی کله مساعده را بنده عقیده ندارم و گمان میکنم صلاح نباشد و دولت مجبور شود مساعده و محاسبه بابالکهای دیگر پیدا کند

مخبر - اگر لفظ (مساعده) را برداریم و (قرض) را بگذاریم تصور نمیفرمایند که یواش یواش بهمان عنوان مساعده قرض کنند؟ یعنی وجهی بخواهند بعنوان مساعده امروز بگیرند که بعد از بابت حساب جاری حساب کنند؟ اصلاً عنوان قرض و مساعده هر دو را باید در يك ردیف حساب کرد و بدون تصویب مجلس اجازه نداد.

رئیس - پیشنهاد هایی که رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۶ بنحو ذیل اصلاح شود: ماده ۶ - بانک ملی از قرض دادن بدولت یا وزارتخانهها یا ادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

رئیس - بفرمائید

یاسائی - مقصود بنده از این پیشنهاد حذف کلمه مساعده بود و با توضیحاتی که بعضی از آقایان دادند دیگر لازم نیست بنده توضیح زیادی عرض کنم ولی همین قدر عرض میکنم که نباید يك مشکلاتی برای بعضی از دوائر مخصوصاً بلدیه ها بموجب این ماده درست کرد. مثلاً در اصفهان بلدیه تاسیس میشود و باعتبار عوائد خودش میخواهد يك مساعده از شعبه بانک که در آنجا است بگیرد و ما بیاییم جلوگیری کنیم در صورتیکه لزومی ندارد. در قانون اساسی قید شده است که دولت اگر بخواهد قرض بکند باید بیاید از مجلس اجازه بگیرد. ولی کله مساعده در قانون اساسی نیست و آقایان در لایحه دولت اضافه کرده اند مقصود بنده این است که کله مساعده حذف شود و نوشته شود حقوق و قرض وزارتخانهها و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس نباشد.

مخبر - مقصود دولت و کمیسیون هم همین بود و برای

همین توضیحی بود که آقای یاسائی دادند باین معنی که فلان بلدیه باعتبار عایدات خودش نباید يك مساعده بگیرد و آنوقت خرده خرده این مساعده ها زیاد بشود و بالاخره پس هم ندهند این است که در اینجا قید شده است که هم مساعده و هم قرض را باید بتصویب مجلس بگیرند.

شیروانی - بنده هم نظیر این پیشنهاد را کرده ام

اجازه میفرمائید توضیح بدهم؟

رئیس - توضیح بدهید آنوقت بکدفه رای بگیریم.

شیروانی - مساعده اساساً در مقابل يك محل معینی

است یعنی وقتی میتواند يك اداره یا يك تجارتخانه مساعده بگیرد که بتواند محل ثابت و مسلم عایدی خودش را نشان بدهد و بگیرد. مثلاً بلدیه فلان شهر در سال دوازده هزار تومان عایدی دارد و امثال شش هزار تومان زود تر احتیاج دارد (که مثلاً يك مؤسسه جدیدی را دائر بکند و میخواهد قبلاً بگیرد) و ضمناً با يك فرع یا يك مال الصلح معینی آن قرض را استهلاک بکند. این معنی مساعده است. مساعده این نیست که يك پولی را بدون اینکه يك اداره محل داشته باشد بگیرد. باضافه ما نمیخواهیم دولت را مکلف کنیم که از بانک مساعده بگیرد میگوئیم این کله حذف شود حالا دولت اگر صلاح بداند مساعده بگیرد مجلس او را مکلف نمیکند که حتماً مساعده از بانک بگیرد. ولی برای اینکه بالنتیجه ما مجبور شویم که وضعیمان با بانکهای خارجی تغییر نکند و این ضرر سیاسی و اقتصادی هر دو خواهد داشت میگوئیم این کله را از اینجا حذف بکنند ولی دولت را مکلف نمیکند که حتماً بروند مساعده بگیرند خیر زود ولی قرض باید با اجازه مجلس باشد

رئیس - آقای فرمند: عضو کمیسیون هستید؟

فرمند - خیر عضو کمیسیون نیستم

وزیر مالیه - بنده در قسمت دولت بین قرض و



فناغده برای معاملات دولتی با این بانک میسر ندارم  
توضیحات زیاد بدیم ولی در قسمت بلدیها که آقای  
باسانی تذکر دادند ممکن است اگر آقایان میل داشته  
باشند و اصرار داشته باشند که بلدیها را ازاد بگذارند  
که بتوانند از محل‌هایی که دارند یا از محله‌هایی که قانون  
پیش بینی کرده بخواهند با آنها يك مساعدتی کرده باشند  
و تسهیلی برای آنها کرده باشند که بلدیها بتوانند در  
شهر تصرفاتی بکنند. بنده از نقطه نظر دولت مخالفی  
ندارم و بسته است بنظر مجلس ولی قسمت راجع به  
ادارات دولتی را تقاضا میکنم بهمان صورتی که هست  
بگذارند باشد. اگر در موقع عمل دیده شد باز احتیاجی  
باصلاح دارد ممکن است مجدداً اصلاح شود.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای باسانی  
آقایان موافقین قیام فرمایند.  
(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. بقیه مذاکرات میباید  
برای بعد از تنفس  
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از  
نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون مرخصی قرائت میشود رای  
میگیریم بعد سایر پیشنهادهای راجع به ماده شش قرائت  
می شود.

(بشرح ذیل بخوانده شد)

آقای آقا سید حسن علوی نماینده محترم سبزوار برای  
مسافرت از اول رمضان تقاضای يك ماه مرخصی نموده‌اند  
کمیسیون عرایض و مرخصی با تقاضای ایشان موافقت  
نموده و اینک خبر آنرا به عرض مجلس شورای ملی میرساند

رئیس - آقای افسر

افسر - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد.

بانک کلند و به عقیده بنده خیلی لازم است که در يك  
آیه نزدیک یعنی وقتی که بانک تأسیس و دائر شد يك  
نظامنامه مخصوصاً برای معاملات با دوائر دولتی تدوین  
شود. و به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس برسد و  
از این نقطه نظر است که بنده این پیشنهاد را کردم  
رئیس - آقای مخبر

مخبر - بسته بنظر مجلس است

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن  
این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده.  
(اینطور خوانده شد)

اصلاح ماده ۶ - بانک ملی میتواند در حدود ماده  
اول این قانون با دولت یا مؤسسات بلدی مملکت معاملات  
استقراضی بنماید مشروط بر اینکه مجموع معاملات بیش  
از صدی بیست از کل سرمایه بانک نباشد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده چون در موقع مباحثه در ماده

وقت بدستم نیامد که دلائلی که دارم عرض کنم حالا  
عرض میکنم اصلاً بموجب ماده اول این قانون بانک  
برای اجرای يك مقاصدی تأسیس شده است یعنی برای  
توسعه امور فلاح و زراعت و تجارت و صناعت و اگر  
بنا باشد مؤسسات دولتی و ملی از قبیل بلدیها که  
صلاحیت دارند و شخصیت قانونی دارند و میتوانند  
طرف معاملات واقع شوند راجع بموضوعات مقرر در  
ماده اول (یعنی زوایج صناعت و فلاح و تجارت)

محروم باشند هیچ دلیلی ندارد که این حق از آنها سلب  
شود بلکه نقطه نظر این است که يك معاملاتی با آنها  
بشود که اسباب آسایش عمومی را تأمین کند بنا بر این  
اگر يك مؤسسه بلدی برای شروع بامر مفید و اصلاحی

که ضروری بداند باعتبار بودجه خودش که مطابق مصوبات  
مجلس تصویب خواهد شد بخواهد با بانک معامله  
بکند بطوریکه مثل سایر افراد وسائل تأمین را  
فراهم کند هیچ دلیل و موجبی ندارد که ما آنها را  
محروم کنیم از این نقطه نظر بنده این پیشنهاد را کردم  
و تصور میکنم مؤسسات دولتی در صورتی که مطابق اصول  
و موازین بخواهند يك کارهایی بکنند بهتر این است که  
این اجازه داده شود مخصوصاً به بلدیها که خیلی اهمیت  
دارد و بنده میدانم که همین بلدیها فعلی طهران غالباً  
مبلغی از مؤسسات خارجی قرض کرده و پرداخته و  
محلها را که مجلس برای بلدیها تعیین کرده و باید از  
روی آن زندگانی شهر را از حیث آسایش عمومی تأمین  
کنند بهترین وسیله همین خواهد بود که در داخله مملکت  
بتوانند از این مؤسسه‌ها استفاده کنند با همان شرایطی  
که افراد میتوانند از آن استفاده کنند و برای اینکه  
آقایان هم موافقت فرمایند بنده صدی بیست را بصدی ده  
تنزل میدهم

وزیر مالیه - در موضوع بلدیها همانطوریکه قبلاً  
عرض کردم يك نظر مخالفی نیست حتی خارج از این  
حدود هم اگر بخواهند با بلدیها با يك کمک‌هایی بکنند  
و بانک را مخیر کنند که همانطور که با اشخاص معامله  
میکند با بلدیها هم مطابق شرایط مقرر در ماده  
معامله کند هیچ مضایقه نیست زیرا بلدیها  
شخصیت و حیثیت قانونی دارند و شخصیت قانونی متفرغ  
بر مالکیت و معامله هم میشود فقط تذکری که لازم بود  
خدمت آقایان عرض کنم این است که این بانک بیشتر  
برای کارهای فلاحی و اقتصادی و تجاری است و بیشتر باید  
بکارهای عام المنفعه برسد و اگر بنا باشد هر روزه  
مؤسسات دولتی و اداری معامله کنند و این راه  
باز و فتح باب شود و ادارات دولتی بخواهند بعنوان  
مساعدت پول بگیرند و آخر سال پس بدهند آنوقت آن  
منظور اساسی که ما داریم حاصل نمیشود و همه اش



بصرف این کار خواهد رسید، علاوه لزومی ندارد که مجلس این اجازه را تصویب کند البته بانک در ضمن معاملات خودش در صورتیکه مقتضی شد باین کار خواهد پرداخت، بهر حال بنده از آقای شریعت زاده تقاضایمیکم که خودشان موافقت فرمایند و پیشنهادشانرا بقسمت بلدیها محدود کنند.

شریعت زاده - بنده محدود میکنم بقسمت بلدیها شیروانی - پیشنهاد بنده را هم قرائت فرمائید

مخبر - مقرر فرمائید پیشنهاد آقای شیروانی هم خوانده شود

(شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بماده ۶ پیشنهاد میکنم:

تبصره - بلدیة های قانونی نامیزان صدی سی از عایدات مسلم خود می توانند از بانک مساعده تقاضا نمایند.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - البته آقایان تصدیق میفرمایند که اساساً بلدیها بیک کار هائی دارند که با عایدات جاری خودشان نمیتوانند آنها را انجام دهند. مثلاً در یک شهر میخوانند اگر بزنند بالوله آب بکشند با چراغ برق دایر کنند این قبیل اصلاحات که محتاج بیک سرمایه ایست و باید یک پول نقدی درکار باشد نابتوانند باین کارها دست بزنند و اگر بخواهند معطل عایدات تدریجی بشوند موفق نخواهند شد.

در همه جا هم معمول است بلدیها از بانکها بیک مساعده هائی میگیرند و بعد بوسیله عایدات خودشان استهلاك میکنند در اینجا بنده پیشنهاد کردم تا معادل صدی سی از عایدات مسلمی که بلدیها هر نقطه دارد (البته در یک مواقعی ممکن است بیشتر بگیرند در آنوقت لایحه اش را بمجلس میآورند و مجلس تصویب میکند) ولی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که از اول فروردین سال ۱۳۰۵ ماهی بیست و سه تومان شهریه در باره وراث مرحوم میرزا غفور خان عماد دفتر از محل اعتبار شهریه و مستمریات بشرح ذیل:

فاطمه خانم عمادی عیال مادام که شوهر اختیار نکرده ۷۶۶ قران  
 فاطمه خانم عمادی دختر ، ، ، ، ۷۶۶  
 فضل الله خان عمادی پسر ناسن کمتر از بیست سالگی ۷۶۶  
 پرداخت نماید

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - موافقم

رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقا ضیاء

آقا سید ابراهیم (ضیاء) - بنده بیک توضیحی از آقای

مخبر میخواهم و بنظر بنده در قسمت سوم که نوشته (فضل الله خان عمادی پسر ناسن کمتر از بیست سالگی) عبارت ناقص است

شیروانی - لفظ (کتر) گویا زیادی نوشته شده نایست سال باید باشد

رئیس - مخالفی نیست

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده خیلی از آقایان شرمند و

متأسفم که چرا در این مورد مخالفت میکنم ولی چکنم چاره ندارم و اینک میدانم تصویب هم میشود معذک ناچارم مخالفت کنم بعلت اینکه آنهاستیکه مرا وکیل کرده اند برای همین چیزها بنده را اینجا فرستاده اند

آنها همه گدا و با برهنه اند درست است که ورثه عماد دفتر هم فقیر و پریشانند و واجب الرعایه هستند هیچکس این مسئله را منکر نیست اما پریشان تر و واجب الرعایه تر از اینها همان اشخاصی هستند که نه دستشان با آقایان و کلاه میرسد و نه بدولت میرسد و اقلاً نه عشر از اهالی این مملکت هم فقیر ولی بضاعتند و آنوقت از اینها مالیات گرفته میشود.

و بشهریه ها داده میشود از آن کسانی که در یک روز بیک سیر آب نبات زندگانی میکنند روزی صد دینار می گیریم از کسی که روزی پنج سیر قند میخورد روزی ده شاهی میگیریم آنوقت چطور دیانت و سایر معتقدانی که ما داریم بما اجازه می دهد که به یک همچو پیشنهادات خرجی رای بدیم و آن را امضاء کنیم امیدواریم از توجیحات آقایان نمایندگان پیشنهادات خرج کم بشود بلکه از حقوق خودشان هم کم کنند و دو بیست تومان را صد تومان بکنند و با اضافاتی که در سایر ادارات هست و میتوان از آنها کم کرد همه را جمع کنند و فدا کاری کنند و جهت آبادی مملکتشان و برای نگاهداری فقرا که در بیرون حالیه بیک چیزهائی میخورند که خدا شاهد است اگر ما بشنوم مناز میشوم و هر انسانی رقت خواهد کرد برای اینها صرف کنند ما باید خرج را همه روزه کم و محدود کنیم و در عوض وضعیت آن بیچاره ها را اصلاح کنیم. ما خط آهن میکشیم معادن را استخراج میکنیم تمام برای آسایش عموم است ولی خداوند میداند سزاوار نیست که از این مردم بد بخت زیاد تر از این چیزی بگیریم هر چند این وجه قابل نیست و اینها هم که برایشان پیشنهاد شده فقیرند ولی در هر صورت باید از این ترتیبات بعد از این جلوگیری کرد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - اگر اینوجه قابل بود و آقا

مخالفت میکردند البته بنده هم با ایشان موافق بودم ولی این اصل را آقا باید بدانند که اگر اینوجه باین فقرا







# قانون

اجازه پرداخت بیست و سه تومان شهریه در باره وراثت مرحوم میرزا غفورخان عماد دفتر

مصوب ۱۱ اسفند ماه ۱۳۰۵ شمسی

ماده واحده -- وزارت مالیه مجاز است که از اول فروردین سال ۱۳۰۵ ماهی بیست و سه تومان شهریه در باره وراثت مرحوم میرزا غفورخان عماد دفتر از محل اعتبار شهریه و مستمریات بشرح ذیل :

فاطمه خانم عمادی عیال مادام که شوهر اختیار نکرده

۷۶۶ قران

۷۶۶

۷۶۶

فضل الله خان عمادی پسر ناسن بیست سالگی

پرداخت نماید .

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه یازدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و پنجاه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی

حسین پیرنیا

مقدس اسلام که مافوق تمام قوانین است آنرا نمی کرده و مانع و اینم مافوق قانون اسلام چیزی بنویسیم پیشنهاد کنیم پس بهتر این است دولت بیک عملیات شدیدی که حقیقه شوخی نباشد بر علیه مشروبات الکلی اقدام کند تا ازان جلوگیری شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - جلسه را ختم میکنیم . جلسات ماه رمضان

را اگر صلاح میدانید بتزئیی که عرض میکنم معین شود شب - ای یکشنبه . سه شنبه . پنجشنبه دو ساعت از شب گذشته .

یک نفر از نمایندگان - شب دوشنبه

شیروالی - غروب شنبه

رئیس - بتزئیب خودمائی عرض کردم . شب

یکشنبه . شب سه شنبه . شب پنجشنبه دو ساعت از شب گذشته .

آقا سید یعقوب - دو ساعت ولیم از شب گذشته

جمعی از نمایندگان - دو ساعت از شب بهتر است

رئیس - رای میگیریم نسبت به ساعت دو . آقایانی

که دو ساعت از شب گذشته را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . دستور جلسه آنیه که شب

یکشنبه خواهد بود اولاً تعیین تکلیف خبرهای کمیسیون

مبتکرات . بعدم لایحه بانک

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

صورتیکه اصول مقدسه اسلام آنرا منع و نهی کرده است و عقلائی بشر را هم در همه جا برضد این اسم تبلیغات کرده اند که دول دیگر در ممالک خودشان تصویبات جدی و قطعی نسبت باین امر اتخاذ کرده اند . ملاحظه فرمائید . این خود کشی ها که در مملکت همه روزه پیش می آید غالباً نتیجه این سم مهلك است . از این جهت بنده خواستم از آقایان تقاضا کنم که تذکری بدولت داده شود که عملیات و اقدامات شدیدی بر علیه این مال التجاره بنمایند و در سرحد ورود آنرا قدغن کنند تا وارد نشود و هر جا که در داخله مملکت میسازند منع و جلوگیری کنند اگر فرضاً مقداری برای مصارف طبی لازم باشد باید در تحت نظر طبیب صحی برای ادویه مخدره و غیره بقدر محدودی اجازه داده شود هر مقداریکه دکتر صحی برای مریض تجویز کند البته اجازه داده میشود و الا این ترتیب فعلی هم هیچ خوب نیست و این یک سمی است که ضررش بر همه معلوم شده و با این ترتیب نمیدانم عاقبت کار ما یکجا خواهد کشید ابعلاوه این یک چیزی است که از منهیات اسلام است گذشته از این که فلاسفه و عقلاء و حکماء دیام مضارش را در دنیا احساس و تجربه کرده و خطرش را تشخیص داده و آنرا بانواع وسائل منع کرده اند مواد الکلی در تمام دنیا تولید یک اشکالاتی کرده و در هر جا بر علیه استعمال آن اقداماتی کرده اند . بنده معتقدم که اقدامات عملی و شدیدی هم بر علیه این موضوع در مملکت ما باید بشود و هر چه فکر کردم که یک طرحی تقدیم کنم دیدم نمیتوانم زیرا قانون